

طرح اجمالی - پیش نویس اول

مرکز اطلاعات شیعه

سازوکار هماهنگیِ فعالیت‌های انقلابی شیعه در سطح جهان (SIO)



تیرماه ۱۳۹۲



مندرجات

- ← پیشگفتار
- ← ضرورت هماهنگ سازی فعالیت ها
- ← راهکارهای هماهنگی فعالیت ها
- ← عدم تخریب سازوکارهای موجود
- ← پیشنهاد تأسیس مرکز اطلاعات شیعه
- ← امنیت اطلاعات
- ← اینترنت زدایی اطلاعات
- ← ساختار اجمالی مرکز اطلاعات شیعه
- ← تأکید بر آن چه محتاج تأکید است



پیشگفتار

جنبش‌های اسلامی بعد از نمایش جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراطوری عثمانی و دولت صفوی به شدت فروکاسته شده و کشورهای اسلامی تجزیه شده به قبیله‌ها آنقدر حمیت اسلامی و دینی نداشتند تا قادر به تشکلیابی و بازگشت به دوران مبارزه و استقامت باشند. حکومت‌های دیکتاتوری و سلطنتی با اتوریته بسیار بالا و تأیید مستقیم دول استکباری دنیا مانعی بزرگ برای رشد اندیشه مبارزه و انقلاب بودند. فعالیت‌های رسانه‌ای و روش‌های مدرن فریب جوامع نیز تأثیر فراوانی در این رکود و کاستی داشت.

در این میانه، از بعد جنگ دوم جهانی، صدای ضدکاپیتالیستی مارکسیسم-کمونیسم توانست نگاه‌ها را به خود متوجه سازد و تقریباً تمامی بلاد اسلامی را از مسیر اصلی انقلاب اسلامی دور ساخته و مسحور شوونیسم و بعث کارگری نماید. در تمام این دوران، گروه‌های اسلامی ترجیح دادند برای ایجاد روحیه مبارزه و انسجام نیروهای خود، تبعیت محض از جریان‌های چپ و سرخ نموده و به سوی کمون نهایی حرکت کنند.

پدیده انقلاب اسلامی در ایران ناگهان تمامی معادلات را بر هم زد. مذهب که در نزد تمام انقلابیون عالم، در آن عصر، افیون توده‌ها شناخته می‌شد و ابزار استعمار شاهان و مستکبران که از طریق آن به تحمیل ملّت‌ها پرداخته و شیره جان‌شان به قدرت خود ملحق سازند، توانست حرکتی نو و جدید ایجاد نماید، حرکتی ضد استکباری و ضد استعماری. این معجزه‌ای غیرقابل پیش‌بینی در تمامی مبانی و نظریات انقلابی عالم بود.

نتیجه این‌که، ضربه وارده بر پیکره کمونیسم، از سوی انقلاب اسلامی مردم ایران، فرسایش زمانی آن را تسریع بخشید و در دومین دهه انقلاب، اتحادیه جماهیر شوروی، مظهر اقتدار مارکسیسم-کمونیسم-سوسیالیسم، از هم پاشید و به عصر نظریه اشتراکی پایان بخشید.

از آن پس تمامی جریان‌های مبارز، آنانی که بالضروره فشار ناشی از استعمار استکبار جهانی را بر گرده ملّت‌ها حسّ می‌کردند، گزیری جز تمسّک به «اسلام» به عنوان تئوری انقلاب نیافتند. اما کدام اسلام؟!

اسلام با مذاهب اربعه اهل سنت نمی‌توانست و نمی‌تواند مبارزه انقلابی را با دیکتاتوریسم سامان دهد. فقهی که حکومت هر ناکسی را حجتّ بداند و عمل به دستورات آن را واجب، اعتقادی که عدالت را برای حکمران الزامی نشناسد، اساساً چنین مذهبی قابلیت لازم برای انقلاب را ندارد. در این میان، مذهب شیعه، با اندیشه خالص و ناب، تنها گریزگاه انقلابیون مسلمان جهان می‌توانست باشد.

ضرورت هماهنگ‌سازی فعالیت‌ها

هر حرکت و جنبشی، جریان و مبارزه‌ای، بالضروره نیاز به حجم مناسبی از نیروی انسانی دارد. حجمی متناسب با قدرت دشمن، تعداد زیادی از افراد که در جبهه جهاد فعالیت نمایند.

هنگامی که تعداد زیادی انسان در یک راستای واحد و در جهتی مشترک به فعالیت می‌پردازند، ناگزیر به تقسیم کار هستند. از یک‌سو همگان توانایی‌های یکسان ندارند و از دیگرسو، همه فرصت و مجال کافی برای انجام تمام فعالیت‌ها. این دو عامل خود به خود نوعی تقسیم کار در میدان مبارزه ایجاد می‌کند.

هرگاه از تقسیم کار سخن به میان آید، هماهنگی بالضروره باید از سوی یک عامل خارجی تأمین شود. تصوّر این‌که یک کشاورز می‌تواند بدون نیاز به مدیر برنامه و کارشناسی‌های مدیریتی، زمین خود را شخم بزند، دانه بکارد، آبیاری نماید و سمپاشی کند، به موقع نیز محصول را برداشت کرده و به بازار برساند، چیزی از اهمیت هماهنگی نمی‌کاهد. کشاورز به دلیل عدم تقسیم کار بین افراد مختلف انسانی، چون تنها و تنها خود به کار می‌پردازد، هماهنگی رفتارهای خود را مبتنی بر اختیار و اراده خود رقم می‌زند.

اما در جهان مدرن و صنعتی، اساساً بدون تقسیم کار بین افراد مختلف، هیچ فعالیت مفیدی قابل انجام نیست. مواد اولیه از معادن تأمین می‌شود، تا محل ساخت حمل می‌گردد، کارخانه‌ها با نیروهای متعدد، ساختارهای مفصلی را می‌سازند و مونتاژ می‌کنند. در ساختارهای گسترده، وقتی افراد زیادی در کار دست دارند، هماهنگی بسیار پیچیده‌تر شده و نقش مهمی در حصول نتیجه بر عهده می‌گیرد.

مبارزه در جهان امروز بدون هماهنگی قابل تحقق نیست. انقلابیون بایستی با توجه به گستردگی جغرافیایی، تفاوت نظریات و سلیقه‌ها، موقعیت‌های متفاوت سیاسی و دولت‌های منطقه‌ای، بتوانند بر اساس و محوری واحد فعالیت کرده و راستا و جهت اصلی حرکت را حفظ نمایند. بدون هم‌راستایی، حرکتی به نتیجه نمی‌رسد. قصه همان پرنده‌گان اسیر در دام که اگر پیوسته در جهات متعدّد و متنافر به بال‌زدن ادامه می‌دادند، هرگز به رهایی نمی‌رسیدند، رهایی زمانی حاصل شد که در راستای واحدی تقلا کردند و دام را با خود به آسمان بردند.

ضرورتی غیرقابل انکار در هماهنگ‌سازی جبهه‌های متعدّد انقلابی بر علیه استکبار جهانی وجود دارد و این هماهنگ‌سازی باید جایی خارج از میدان نبرد صورت پذیرد. وحدتی که تمامی جریان‌ها را بشناسد و راهنمایی کند.

راهکارهای هماهنگی فعالیت‌ها

روش‌های متعددی برای هماهنگ کردن فعالیت‌های افراد مختلف با یکدیگر وجود دارد که شاید بتوان تمامی این راهکارها و روش‌ها را در سه سرفصل ذیل خلاصه نمود:

دفترچه راهنما

در این شیوه، پیشاپیش همه حالت‌های ممکنه پیش‌بینی و قاعده‌مند شده است. دستورالعملی تولید شده و در اختیار افراد قرار گرفته است. آدم‌های داخل میدان فعالیت، تمامی رفتارهای خود را با آن اساسنامه هماهنگ می‌نمایند و به آئین‌نامه ابلاغی عمل می‌کنند.

تمامی سازمان‌ها و نهادهای اداری؛ دولتی و غیردولتی، معمولاً چنین عمل می‌کنند. قانون اساسی کشورها نیز چنین نقشی دارد. قوانین مصوبه قوای مقننه نیز چنین شیوه‌ای را پی می‌گیرد. اسلام نیز و فقه جهان‌شمولش چنین وضعیتی دارد؛ احکام را پیشاپیش به تفصیل بیان کرده و تمامی افراد سعی در عمل بدان دارند.

هماهنگی فعالیت‌های نیروهای انسانی در چنین وضعیتی ناشی از متن واحدی است که در اختیار همگان است. وقتی همه افراد بر قانونی واحد پیش روند، راستای حرکت واحد خواهد بود.

وحدت رهبری

عدم قدرت پیش‌بینی «تمام» وضعیت‌ها، به‌کارگیری شیوه «دفترچه راهنما» را برای مبارزه غیرممکن می‌سازد. در میدان عمل، همیشه اتفاقاتی روی می‌دهد که از قبل محاسبه نشده و اساساً قابل پیش‌محاسبه نبوده‌اند. اینجاست که رهبری نقش هماهنگ‌سازی را بر عهده می‌گیرد.

هنگامی که یک رهبر واحد بر تمامی مبارزه سیطره داشته باشد و نیروهای انسانی بر سبیل اطاعت از او گام بردارند، قطعاً یک سمت و سوی واحد بر تمامی مبارزه سایه خواهد انداخت، زیرا «یک اراده» می‌تواند هماهنگی را به صورت درونی تحصیل نموده و بر مبارزین محیط سازد.



اما گاهی شرایطی رخ می‌دهد که رهبری واحد قابل حصول نیست. وقتی می‌ادین جنگ بسیار متعدّد باشد و فرهنگ‌های مختلفی درگیر مبارزه باشند. هنگامی که مبارزین نتوانند رهبری واحدی را بپذیرند و اختلاف سلیقه‌ها به حدّی فراوان گردد که تجمیع در یک نقطه میسر نشود. اینجاست که وحدت رهبری هم کارساز هماهنگی نیست.

هماره در این قبیل فعالیت‌ها، وحدت حول میز مذاکره جستجو می‌گردد. رهبران جریان‌های مختلف، جریان‌هایی که توانسته‌اند به دلیل فرهنگ و سیاست واحد حول یک رهبر جمع شوند و بر یک سبیل اتفاق نمایند، رهبران خود را به میز مذاکره می‌فرستند، جایی که تمامی رهبران به دلیل هدف مشترکی که دارند می‌پذیرند با یکدیگر گفتگو نموده و تقسیم کار کنند.

حضور رهبران در چنین مشارکت‌هایی باید کاملاً مؤثر باشد، یعنی تصمیمات آن‌ها قطعی و لازم‌الاجرا تلقی گردد و نهاد تجمیع‌کننده نمی‌تواند صوری و سنتزی باشد. نمی‌توان رهبران جریان‌ها را جمع کرد و تنها به القاء خواسته‌های خود دست زد. رهبران در پای میز مشاوره همچنان رهبر هستند و خواسته‌ها و اراده‌های‌شان قدرتمند است. باید این قدرت‌ها به رسمیت شناخته‌شده و سهم تأثیر در نتیجه داشته باشند.

طبیعتاً تمامی این سه شیوه هماهنگی در موضوع بحث ما مطمح نظر بوده و حضور مؤثر دارند. هر گروهی برای فعالیت‌های خود نیاز به قانون‌گذاری و تدبیر آئین‌نامه‌ای و مرامنامه‌ای دارد. اما مرامنامه‌ها و اساسنامه‌ها بدون رهبران ضمانت اجرایی نداشته و در شرایط واقعی قادر به عمل نیستند. در نهایت، اتحاد گروه‌ها نیز با مذاکره رهبران و مشارکت آنان در حفظ جهت محقق می‌گردد. پس ما با هر سه شیوه هماهنگ‌سازی مواجهیم. اما آنچه دقیقاً موضوع کار ماست، بالاترین سطح این هماهنگ‌سازی، یعنی «مشارکت مؤثر» است.

این طرح درصدد است برای هماهنگ‌سازی جریان‌های مبارز و مجاهد، از طریق اینترنت و سایت‌های اینترنتی، شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای ارتباط سایبری، «مشارکت مؤثر» را به کار گیرد. چگونه می‌شود گروه‌های متعدّد را بر محور واحد گرد آورد و اکنون که هدف واحدی دارند، در راستای همان هدف واحد، دست به تقسیم کار و برنامه‌ریزی برای آنان زد؟!



عدم تخریب سازوکارهای موجود

اگر جایگاه فعالیت خود را بشناسیم، این که در عرصه مدیریت یک جریان خاص نیستیم و وظیفه همگرایی و هماهنگ سازی تمام گروه های مبارز را بر عهده داریم، نکته بسیار مهمی را درک خواهیم کرد؛ این که نباید و نمی توانیم سازوکارهای موجود را تخریب کنیم.

سایت های اینترنتی، ابزارها و شبکه های اجتماعی، به ضرورت مبارزه و در مراحل مختلف آن شکل گرفته اند. حتی فراتر از سایت ها؛ فارغ از سخت افزارها و نرم افزارها، گروه هایی در ابزارهای مرسوم و معروف، مانند: فیس بوک و توییتر، گوگل پلاس و فرندفید، گرد هم جمع شده و به تبادل اطلاعات و هماهنگ سازی جبهه مشغولند. ما نه می توانیم سایت های موجود را کنار بزنیم و نه می توانیم گروه های شکل گرفته را ملزم نماییم فضای فعالیت خود را تغییر داده و به محلی دیگر کوچ کنند.

حتی اگر احساس نماییم نسبت به پاره ای از جریان ها و سایت ها و ابزارها «قدرت» داریم و از ما حرف شنوی دارند، حتی اگر بودجه آن ها را هم ما تأمین نموده باشیم و آن ها خود را مدیون ما بدانند، باید توجه کنیم که هر محلی در مسیر اطلاع رسانی، مخاطبین خود را یافته و اگر جمع شود، یا تغییر مکان دهد، بخشی از مخاطبین را از دست خواهد داد.

اگر قصد داریم یک مرکزیت واحد برای مدیریت جریان های انقلابی شیعه در اختیار داشته باشیم، نخست باید به تمامی سازوکارهای موجود به دیده جنگ افزار بنگریم، منابعی که در اختیار داریم و می توانیم از آن ها استفاده کنیم. هر سائتی که در این زمینه تأسیس شده و هر گروهی که شکل یافته، قطعاً بخشی از مهمّات ما در نبرد با استکبار جهانی است.

بر این اساس، به عنوان یکی از آکسیوم ها، مفروضات و مقدمات طرح خود، می پذیریم که هیچ تغییری در ظاهر جبهه نمی خواهیم ایجاد کنیم و قصد نداریم مخاطبین را از یک سایت به سائتی دیگر منتقل کنیم. سایت ها فروشگاه هایی هستند که نمای جبهه ما را شکل می دهند، ما قصد تغییر این نما را نداریم، مکان ویتترین را عوض نخواهیم کرد.

آن چه در پی خواهیم گرفت، ارائه کالا در تمامی فروشگاه ها به نحوی است که محور هماهنگی را تبعیت نماید.

پیشنهاد تأسیس مرکز اطلاعات شیعه

مبتنی بر آنچه ذکر آن رفت، تأسیس یک سایت، به تنهایی نمی‌تواند کمکی به هماهنگ‌سازی جبهه مبارزه شیعیان انقلابی در سراسر جهان نماید. آنچه ما نیاز داریم یک «مرکز هماهنگی» است.

پیشنهاد روشن و شفاف و بی‌پرده ما تأسیس یک مرکز است، یک مرکز که مسئول هماهنگی جبهه باشد. مرکزی که قابلیت‌های انقلابی را بشناسد، از تمامی ظرفیت‌ها آگاه باشد و بتواند در کم‌ترین زمان و در اسرع وقت، اطلاعات لازم را در اختیار مبارزین بگذارد.

اگر متد هماهنگ‌سازی ما «مشارکت مؤثر» باشد، ناگزیر باید تصمیم‌گیری رهبران جریان‌های انقلابی را به رسمیت بشناسیم و اگر اراده آن‌ها رسمیت یافت، ما قادر به «تصمیم‌گیری» برای آن‌ها نخواهیم بود. ما نمی‌توانیم تصمیمات از پیش اتخاذ شده را به گروه‌ها و جریان‌ها ابلاغ نماییم. حتی شاید نتوانیم مرامنامه، اساسنامه، آئین‌نامه و دستورات عملیاتی آنان را نیز پیش‌پردازش کنیم. همه این قبیل وظایف بر عهده بطن جریان‌هاست. ما باید از روش‌های نرم برای جهت‌دهی استفاده کنیم.

انقلابیون عالم نیاز به یک میز مشارکت دارند؛ جایی که بدانند:

۱. برای آنان و هدف آنان و هویت آنان احترام قائل است.
۲. تفاوت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و بافت ملی آنان را به رسمیت می‌شناسد.
۳. اختلاف مذهبی و اعتقادی را دخیل و مؤثر در قضاوت‌ها نمی‌داند.
۴. سلیقه‌های متفاوت و اختلاف‌ها را مفید و هدایتگر تلقی می‌کند و خلاقیت‌ها را ارج می‌نهد.
۵. نهادی که تلاش نمی‌کند نظریه خود را القاء نماید.

اگر چنین مکانی را یافتند، با آغوش باز در آن حضور می‌یابند، نماینده معرفی می‌کنند، اطلاعات خود را در اختیار آن می‌گذارند و حاضر می‌شوند از آن اطلاعات بگیرند و دانش و تجربه خود را با دیگران در آن نهاد به اشتراک گذارند.

ما در ابتدا باید چنین مرکزی تأسیس نماییم، «مرکز اطلاعات شیعه» که تمامی جریان‌ها را بشناسد، از آن‌ها دعوت به عمل آورد و شرایط «مشارکت مؤثر» آنان در هماهنگ‌سازی جبهه را فراهم کند.

امنیت اطلاعات

در فضای چریکی و پارتیزانی فعلی که تمامی جریان‌های فعال در عرصه مبارزه و انقلاب درگیر فعالیت‌های پنهانی و حملات غافلگیرانه هستند، امنیت اطلاعات اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.

حفظ و حراست از اطلاعات سازوکارهای ویژه‌ای می‌طلبد. نهادی که به عنوان «مرکز اطلاعات شیعه» فعالیت می‌کند، با اطلاعاتی مواجه است که در چهارسطح قابل طبقه‌بندی می‌باشند:

اطلاعات عمومی

اخباری عمومی و داده‌هایی که حاکی از هیچ مطلب محرمانه و طبقه‌بندی‌شده‌ای نیستند، اطلاعاتی که انتشار آنان به فعالیت‌های گروه‌ها آسیب نمی‌زند. این اطلاعات را می‌شود در سایت به صورت اخبار منتشر کرد. یا در قالب اطلاعات مفید و قابل استفاده برای مردم جهان نشر داد.

اطلاعات عمومی گروه‌ها

آن دسته از تجارب، دانش‌ها و اطلاعات موردی گروه‌ها که خودشان ابراز تمایل نموده‌اند در اختیار تمامی گروه‌ها قرار گیرد، می‌تواند در محلی مشترک باشد، جایی که فقط گروه‌های «پذیرفته‌شده» و «مورد تأیید» به آن دسترسی دارند. طبیعتاً اعتبارسنجی گروه‌ها نیز نقش عمده‌ای در حفظ این اطلاعات دارد. گروه‌ها از طریق این اطلاعات می‌توانند با هم مرتبط شده و از ظرفیت‌های یکدیگر بهره‌برند.

اطلاعات اختصاصی گروه‌ها

بخشی از اطلاعات خاص گروه‌ها که نباید در اختیار حتی سایر گروه‌ها باشد. تنها برای دسترسی اعضای داخلی گروه‌ها و اطلاع مرکز اطلاعات شیعه، در اختیار ما قرار گرفته است، تا در برنامه‌ریزی‌ها لحاظ شود.

اطلاعات اختصاصی مرکز

داده‌های مرجع که اطلاع گروه‌ها نیز می‌تواند امنیت آن‌ها را به خطر اندازد. اطلاعاتی که تنها در مرکز اطلاعات شیعه مورد استفاده قرار می‌گیرد و استفاده‌ای خارج از مرکز ندارد و نباید داشته باشد. فهرست کامل گروه‌ها و جریان‌ات مبارز، خصوصیات افراد، مشخصات دقیق محل‌های فعالیت و عملیات‌های در جریان.

اینترنت زدایی اطلاعات

هنگامی که مقوله حفظ و حراست از اطلاعات به میان می‌آید، اصل استفاده از اینترنت محل اشکال و تأمل می‌گردد. شکی نیست که دسته عمومی اطلاعات، آن داده‌هایی که طبقه‌بندی ندارند، اساساً ماهیت اینترنتی و رسانه‌ای دارند و می‌توانند بر روی سایت مرکز اطلاعات شیعه عرضه شوند.

اما سه دسته اطلاعات دیگر ماهیت رسانه‌ای ندارند و نباید عمومی گردند.

در مورد دوم و سوم؛ اطلاعات عمومی و اختصاصی گروه‌ها، نیز اینترنت به کار می‌آید، اما به عنوان ابزار ارتباطی و نه رسانه‌ای. قطعاً دسترسی گروه‌ها به این دسته از اطلاعات اهمیت دارد؛ دسترسی سریع و به موقع، تا در تصمیم‌گیری‌های آنان مفید باشد.

تنها نگرانی از بابت سیطره سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای صهیونیستی و آمریکایی بر بستر اینترنت است. با توجه به چنین نکته‌ای، حفظ و حراست اطلاعات و مراقبت از امنیت آنان به نظر غیرممکن شاید بیاید.

ممکن است تصمیم گرفته شود سایت مرکز اطلاعات شیعه تنها دو فعالیت بر عهده گیرد:

رسانه‌ای برای جریان‌سازی عمومی

اطلاعات عمومی و آن دسته از داده‌ها و اخباری که نقش جریان‌سازی و مدیریت حرکت عمومی را بر عهده دارند از طریق این سایت منتشر شوند.

محل رجوع تازه‌واردان و دریافت اطلاعات پراکنده

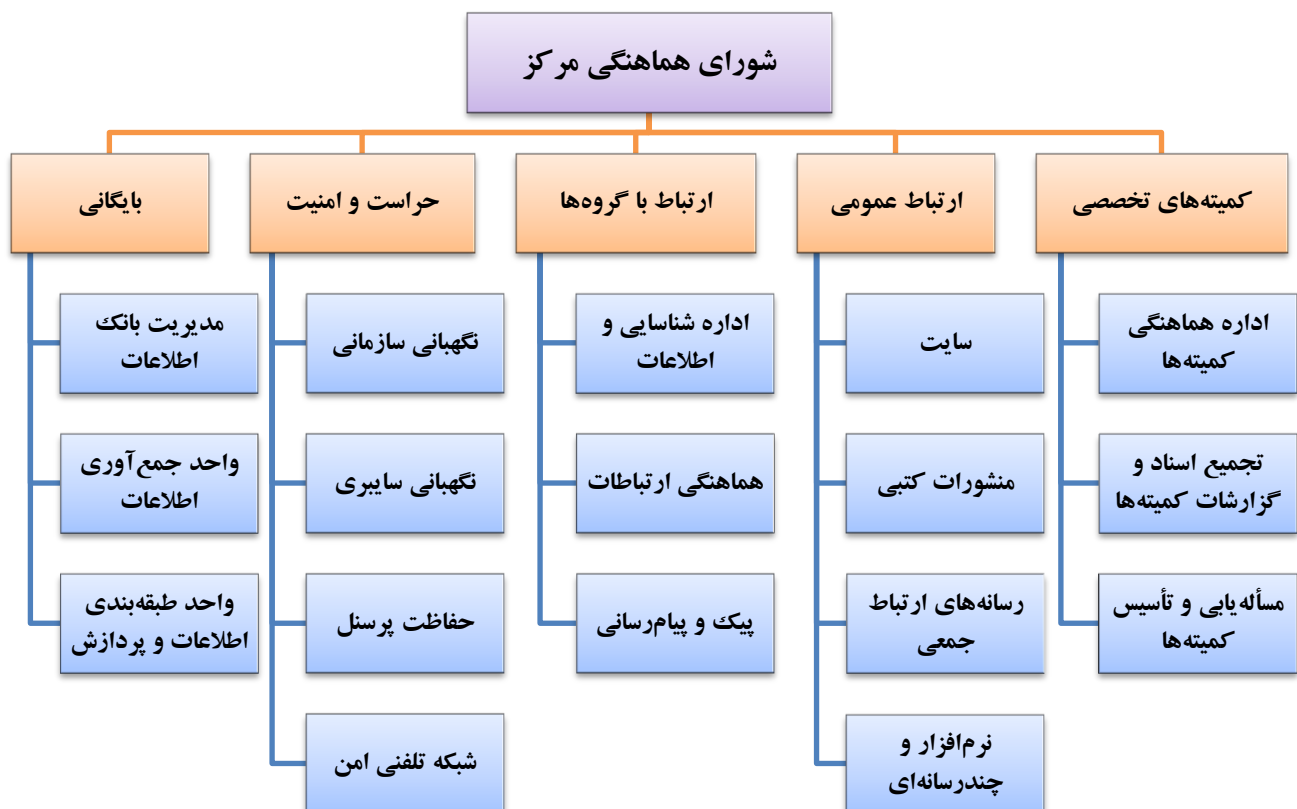
افرادی که وابستگی به جریان‌های شناخته‌شده ندارند و کانال ارتباطی با مرکز اطلاعات شیعه در اختیارشان نیست، در بادئ امر از این طریق خود را معرفی کرده و اطلاعات در اختیار می‌گذارند.

شاید لازم باشد سایر فعالیت‌ها، ارتباط با گروه‌ها و تبادل اطلاعات عمومی و اختصاصی آن‌ها از کانال سایت‌های موجود و بر پایه روابط حقیقی و غیرسایبری شکل گیرد.

دسته چهارم اطلاعات؛ اختصاصی مرکز، اساساً نه تنها نیازی به اینترنت ندارد، که دور بودن از اینترنت به حفظ دقیق‌تر آن یاری می‌رساند.

ساختار اجمالی مرکز اطلاعات شیعه

مرکز اطلاعات شیعه وظیفه هماهنگ‌سازی جریان‌های انقلابی و فعال شیعه در سراسر جهان را برعهده دارد و این فعالیت را مبتنی بر روش «مشارکت مؤثر» رهبران گروه‌ها به انجام می‌رساند. از این رو، به نظر می‌رسد محتاج سازوکاری کوچک، ستادی، چابک و منسجم است؛ ساختاری که باکس‌های کم داشته و فعالیت‌های متعدد توسط افراد اندکی به انجام رسد.



هدف از ارائه ساختار فوق این است که مرکز اطلاعات شیعه بتواند اطلاعات گروه‌ها، سایت‌ها و جریان‌های فعال را جمع‌آوری کرده، با آن‌ها ارتباط برقرار نموده، با شناسایی مسائل و مشکلات آن‌ها و ارائه راه‌حل‌های مناسب، اعتماد آنان را جلب کرده و مشارکت مؤثر آنان در هم‌راستاسازی تمامی فعالیت‌ها را فراهم نماید.

تأکید بر آن چه محتاج تأکید است

وقتی به ما می‌گویند: «بیا و سایت تأسیس کن»، بیش از آن که به سازوکار مدیریت آن بیاندیشیم، به ابزارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری توجه می‌کنیم. بلافاصله و بلادرنگ سراغ یک برنامه‌نویس و طراح سایت را می‌گیریم، فوراً قیمت سرور، دومین و هاستینگ را می‌پرسیم و بدون هیچ اندیشه و تأملی دنبال راه‌اندازی سایت می‌افتیم.

غافل از این که یک سایت در حقیقت ابزار کار یک تشکیلات است، یک مرکز، یک نهاد، یک ارگان و سازمان. مانند یک روزنامه است یک سایت. آنان که کار مطبوعات را بشناسند، می‌دانند که راه‌اندازی یک روزنامه اصلاً به معنای اجاره یا خرید چند دستگاه چاپ، مقداری کاغذ و چند کامپیوتر و نرم‌افزار صفحه‌بندی نیست. چه بسا روزنامه‌ها و نشریاتی که اصلاً دستگاه چاپ ندارند و انتشار را برون‌سپاری می‌کنند، نرم‌افزار صفحه‌بندی هم نمی‌خرند و این کار را نیز به گرافیست‌های خارج از مجموعه خود می‌سپارند. تنها به مغز مطلب می‌پردازند و آن چیزی نیست جز فراهم کردن سازوکار تولید اطلاعات برای انتشار روزنامه.

صاحب امتیاز روزنامه ابتدا مدیر مسئول خود را می‌یابد و وعده بودجه را به او می‌دهد. مدیر مسئول به دنبال سردبیر است. سردبیر را که جست، سرویس‌ها را تأسیس می‌کند؛ سرویس سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... این مدیر مسئول است که جهت کار و فعالیت را تبیین می‌کند. سردبیر نیز به نوبه خود می‌گردد و دبیر سرویس‌ها را انتخاب می‌نماید. کار را توجیه کرده و دبیرها سراغ نویسندگان رفته و مقاله، گزارش، خبر و هر چه که نیاز باشد فراهم می‌نمایند. آخرین مرحله کار چیست؟! همان که ما ابتدا به سراغ آن می‌رویم: صفحه‌بندی و انتشار!

اگر به من بگویند: «یک سایت می‌خواهیم»، ابتدا می‌گویم: «نهاد سایت را تأسیس کنید»، سازوکار و ساختاری که قرار است تولید محتوا کند، آن را مدیریت نماید و تمامی روابط کاری را با نیروهای مولّد شکل دهد.

ما اگر سایتی بخواهیم که مرجع تمامی شیعیان جهان باشد، آنان که در دل خود احساس تعلق به اسلام و دغدغه به حفظ مسیر اهل بیت (ع) می‌نمایند و خواهان حرکت و مشارکت در این مسیر می‌باشند، باید که آنان را بشناسیم، نیازهایشان را تأمین کنیم و فرصتی فراهم آوریم که خودشان در نتیجه کار مؤثر باشند و این تأثیر را با تمام وجود احساس نمایند.

ما ابتدا باید «مرکز اطلاعات شیعه» را تأسیس نماییم و سپس سایت را در ذیل آن و برای ساماندهی پاره‌ای از فعالیت‌های مرکز طراحی و تولید کنیم. 